



سومین همایش ملی  
**بانو حضرت زهرا سلام**  
بزرگداشت حضرت زینب کبری (ع.ا.س)

۳۰ دی ماه ۱۴۰۰ ، استان یزد



ISC  
Islamic World Science Citation Center

CIVILICA

SID

## نقش حضرت خدیجه (س) به عنوان اولین زن مؤمنه و صبور در آرامش خانواده

سکینه گنج خانلو<sup>۱</sup>

## چکیده

خانواده مناسب‌ترین جایگاه برای تأمین نیازهای انسان و بهترین بستر برای تأمین امنیت و آرامش روانی است. عوامل بسیاری در تحکیم بنیان خانواده مؤثرند؛ یکی از این عوامل، صبرکردن زن است که در این مقاله به آن پرداخته شده است. ضرورت حاکمیت صبر زن بر آرامش فضای خانواده از عوامل تحکیم خانواده است و نیاز به دلیل و بینه ندارد. در طرف مقابل، عدم صبر زن در خانواده از عوامل تخریب خانه و خانواده است. عدم صبر زن در خانواده، ابتدا روح و شخصیت زن را تخریب می‌سازد، سپس به خانواده و جامعه او زیان وارد می‌کند. حضرت خدیجه (س) نیز جزو انسان‌هایی بودند که عنایات الهی شاملشان شده و تا آنجا پیش رفته بودند که خداوند بر ایشان سلام ویژه فرستاد. آیات و روایات زیادی در قبح و زشتی عدم صبوری آمده است. هدف این مقاله، بررسی نقش حضرت خدیجه (س) به عنوان اولین زن مؤمنه و صبور در آرامش خانواده، با روش کتابخانه‌ای و توصیفی تحلیلی است و به دستاوردهای ذیل رسیده است؛ تأثیر و نقش حضرت خدیجه (س) به عنوان اولین زن مؤمنه و صبور در آرامش خانواده در همه امور زندگی و استحکام خانواده، جایگاه والا و ارزشمندی دارد و باعث افزایش ایمان به خدا، معاد و... می‌شود.

واژگان کلیدی: نقش، حضرت خدیجه (س)، اولین زن، مؤمنه، صبور، آرامش خانواده.

۱. دانشجوی سطح سه، حوزه تفسیر و علوم قرآنی، مؤسسه آموزش عالی زینبیه، s.farhadi\_ch@yahoo.com

## مقدمه

صبر و شکیبایی در خانواده، نتیجه بسیار شیرینی دارد و منجر به گرمی و ازدیاد محبت در خانواده و سلامت اخلاقی و روانی اعضای خانواده خواهد شد. یکی از گل واژه هایی که در ازدواج جایگاه ویژه دارد، «صبر» است. تجربه ثابت کرده است که بهترین درمان بسیاری از مشکلات حاد و لاینحل، گذر زمان است. البته در انتظار گذر زمان ماندن، امری طاقت فرساست و اینجاست که صبر و بردباری به عنوان یک انگیزه و پشتوانه قوی برای تحمل این امر دشوار، به کار می آید. تحقیقات نشان داده است که اغلب مشکلات زندگی مشترک، مربوط به چند سال اول آن است. چنانچه در این ایام، این مشکلات را صبورانه تاب آورید و با ممارست و تمرین، این صبوری را به یک توانایی تبدیل کنید، قادر خواهید بود بنای خوشبختی خود را تا ثریا بالا برید؛ بی آنکه بیم از فرو ریختن آن داشته باشید.

قرآن کریم، آنجا که می خواهد الگوها و اسوه ها را معرفی کند، در کنار اسوه بودن حضرت ابراهیم و پیامبر خدا، الگوها و نمونه هایی از زنان وارسته؛ مانند حضرت مریم، و همچنین زنان گمراه؛ مانند همسران حضرت نوح و لوط را به جامعه و مؤمنان معرفی می کند؛ به همین دلیل، بیان فضایل و مقامات حضرت خدیجه می تواند برای کل جامعه اسلامی راهگشا باشد و الگوی زیبایی برای جامعه ایمانی قرار گیرد؛ چرا که به شهادت پیامبر، خدیجه از کامل ترین زنان و بهترین الگوهای است که فضایل و مقامات او به حد کمال رسیده است.

صبر زن بر آرامش خانواده موثر است و اگر خانه را به یک کشور تشبیه کنیم، اشتباه نکرده ایم؛ زیرا اداره خانه، در مقیاسی کوچک تر، شبیه به اداره یک کشور است و از جهاتی اداره یک خانه کوچک، ظریف تر و دقیق تر از اداره یک کشور پهناور خواهد بود. ریاست خانه بر عهده مرد است و تأمین حوائج و نیازهای زندگی هم وظیفه اوست. از سوی دیگر، خانه با ریاست تنها اداره نمی شود و نظیر مملکت که نیاز به اداره داخلی دارد، خانه هم مدیر و مدبر می خواهد و مدیریت داخلی خانه بر عهده زن است و اگر مدیر صبر داشته باشد آن مملکت که خانواده است مستحکم می شود.

طبق بررسی های انجام شده در رابطه با برخی از عناوینی که در این مقاله مورد استفاده قرار گرفته است کتاب و مقاله وجود دارد، ولی بصورت موضوعات فرعی هر کدام جنبه هایی را مورد بررسی قرار داده اند. در این زمینه مقالاتی نوشته شده که ما به بررسی برخی از آنها می پردازیم:

۱. مقاله «اولین بانوی اسلام»، اثر احمد محیطی اردکانی، در مجله فرهنگ کوثر آذر ۱۳۷۸ - شماره ۳۳ به چاپ رسید. "پیامبر(ص) فرمود: برترین زنان بهشت، چهار نفرند: خدیجه دختر خویلد، فاطمه دختر محمد، مریم دختر عمران، و آسیه دختر مزاحم (همسر فرعون) حضرت در روایتی دیگر فرمودند: خداوند چهار زن را از میان زنان برگزید: مریم، آسیه، خدیجه و فاطمه. وقتی پیامبر(ص) سلام جبرئیل و خدا را به حضرت خدیجه ابلاغ کرد، خدیجه گفت: خداوند خود سلام است، سلام از او و به سوی اوست؛ و بر جبرئیل سلام باد. خداوند متعال نیز هرگز در مقابل این همه ایثار و مقاومت در راه حبیبش رسول خدا(ص)، خدیجه(س) را از یاد نبرد، او را در دنیا به مادری حضرت زهرا(س) مفتخر ساخت و در آخرت جایگاهی ویژه به وی بخشید. او در کوه می گفت: «چه کسی از پیامبر برگزیده برایم خبر می آورد؟ چه کسی از بهارپسندیده ام آگام می سازد؟ چه کسی از آن که در راه خدا رانده شده، برایم سخن می گوید؟ چه کسی مرا از ابوالقاسم با خبر می کند؟» خداوند پیامبر(ص) را نجات داد و جبرئیل در کنارش حضور یافته، به حضرت خدیجه(س) نگاه کرد و به رسول خدا(ص) عرض کرد: «آیا به خدیجه(س) نمی نگری که فرشتگان آسمان از گریه اش گریستند.» اما این مقاله فاقد بررسی نقش حضرت خدیجه به عنوان اولین زن مومنه و صبور در آرامش خانواده است.

۲. مقاله «خدیجه علیها السلام اسوه فضیلت مقاله» نوشته سید جواد حسینی در مجله مبلغان مرداد و شهریور ۱۳۸۹ - شماره ۱۳۱ به چاپ رسید. نویسنده می نویسد: "در «ریاحین الشریعه» می خوانیم: «از ویژگیهای این بانوی خردمند این بود که در گفت و شنودش با مسیحیان و دیگر اهل کتاب، آگاهی و اطلاعات گسترده ای از کتابهای آسمانی و بشارتهای آنها به ظهور آخرین پیامبر و نیز از خوابهایی که دیده بود، به وقوع این مهم اطمینان داشت و بر این باور بود که دینش جهانی می شود؛ لذا از منتظران ظهور آن حضرت به حساب می آمد. مجموع سرمایه ای که توسط حضرت خدیجه به گردش درآمد، هشتاد هزار شتر بود و چهارصد غلام، که اموال او را حمل و نقل می کردند. مربی و مدافع علی علیه السلام پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در آغاز زندگی و بعد از، از دست دادن مادر بزرگوارش آمنه، (پدر را قبل از تولد از دست داده بود) تحت سرپرستی جناب «ابو طالب» و همسر خداجو و پاکدامنش «فاطمه بنت اسد» قرار گرفت؛ اما گویا روزگار در پی تکرار و جبران حوادث است. درست در سن پنج سالگی و بعد از پنجمین بهار زندگانی مشترک پیامبر صلی الله علیه و آله و خدیجه علیها السلام، علی علیه السلام تحت سرپرستی آن دو بزرگوار قرار گرفت تا تغذیه جسمی، فکری، عاطفی و اخلاقی کاملی شده باشد. اما این مقاله به نقش حضرت خدیجه به عنوان اولین زن مومنه و صبور در آرامش خانواده توجه نکرده و این خلاء محسوس است.

نوآوری تحقیق «نقش حضرت خدیجه به عنوان اولین زن مومن و صبور در آرامش خانواده» در این است که به تاثیر صبر حضرت خدیجه در آرامش و خوشبختی و نیکی و سلامتی اخلاقی و معنوی در خانواده با رویکردی قرآنی و روایی می پردازد که هیچ کدام از تحقیقات مذکور به این بُعد پرداخته اند و این تحقیق از این منظر، بکرو جدید می باشد.

هدف از انجام این تحقیق پاسخ به این سوال مهم است که نقش حضرت خدیجه به عنوان اولین زن مومن و صبور در آرامش خانواده چه مقدار است؟

و فرضیه تحقیق این است که صبر حضرت خدیجه در همه امور زندگی و استحکام خانواده جایگاه والا و ارزشمندی دارد و باعث آرامش روحی و روانی و... می شود.

## ۲. مفهوم شناسی

### ۲-۱. خانواده

خانواده متشکل از افرادی است که از طریق پیوند زناشویی، هم‌خونی یا پذیرش فرزند با یکدیگر به عنوان زن، مادر، پدر و شوهر، برادر، خواهر، فرزند در ارتباط متقابل هستند، فرهنگ مشترک پدید می آورند و در واحد خاص زندگی می کنند (مطیع، جامعه‌شناسی مفاهیم کلیدی، ص ۱۴۸).

خانواده یکی از نظام‌های اولیه جوامع بشری است که با وجود تحولات اساسی، در اهداف کارکردهای خود ثابت مانده و هنوز در همه جوامع، اهمیت اساسی دارد. خانواده، مناسب‌ترین نظام برای تأمین نیازهای مادی و روانی بشر بوده و بهترین بستر را برای تأمین امنیت و آرامش روانی اعضای پرورش نسل جدید و اجتماعی کردن فرزندان و برآورده ساختن نیازهای عاطفی افراد فراهم نموده است (سالاری فر، درآمدی بر نظام خانواده در اسلام، ص ۱).

امروزه واژه خانواده چندین معنا دارد:

«در مکتب اسلام نیز خانواده به عنوان کهن‌ترین اجتماع انسان شمرده می شود زیرا از آغاز آفرینش انسان به صورت زوجی از زن و مرد در قالب خانواده قدم به گیتی نهاده است. خانواده در دیدگاه اسلام واحد بنیادین و مهمی محسوب می شود که زن و مرد و فرزندان را در گروهی هم‌بسته و مأمونی مقدس جمع می کند و ارزش‌هایی چون صمیمیت و همدلی را بر آنان حاکم می گرداند» (کدخدایی، عوامل استحکام خانواده در قرآن و روایات، ص ۸ و ۹).

در تعریف خانواده سالم باید گفت: خانواده‌های است که به طور بنیادین از سلامت و آرامش روانی و معنوی هر یک از اعضای خانواده حمایت می‌کند.

در خانواده سالم به هریک از اعضاء امکان رشد و بالندگی داده میشود. بنابراین تا حد امکان شرایط مادی وسایل رفاهی هر عضو خانواده در فضایی از تشویق، حمایت، عشق و محبت که لازمه موفقیت هستند فراهم میشود و جالب اینکه اعضای خانواده این «تا حد امکان» را درک میکنند و بیش از توان مالی خانواده انتظاری ندارند.

خانواده همانند جامعه‌ای است که فقط با تغییر هر یک از اعضای آن به تغییر بنیادی دست خواهد یافت. اگر تمایل دارید که خانواده خود را به منظور کمک به آنها تغییر دهید لازم است بدانید با ایجاد تغییر در خود، میتوانید امکان این تغییر را تا حدودی فراهم آورید (اسماعیل زاده و دیگران، خانواده سالم، ص ۳۸۴).

## ۲-۲. صبر

در لغت به حبس، امساک و در محدودیت قرار دادن اطلاق می‌گردد (راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ص ۴۷۴؛ ابن منظور، لسان العرب، ج ۴، ص ۴۳۸).

در اصطلاح علم اخلاق به حفظ نفس از اضطراب، اعتراض و شکایت و همچنین به آرامش و طمأنینه گفته می‌شود (مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۶، ص ۱۸۲).

صبر موارد مختلفی دارد، از جمله: صبر در خوداری از سخن گفتن را «کتمان» و صبر در اجتناب از خوردن و آشامیدن را «صوم (روزه)» گویند (راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ص ۴۷۴؛ ابن منظور، لسان العرب، ج ۴، ص ۴۳۸).

## ۲-۳. صبر در قرآن

انسان و محل زندگی او به نحوی آفریده شده که با آفات، کمبودها، موانع و مصیبت‌های فراوانی همراه است و همیشه آفات و مصائبی در اموال، عزیزان، دوستان و... در کمین نعمتهاست که موجب از دست دادن آنها می‌شود؛ از سویی دیگر انسان در معرض حملات شدید تمایلات نفسانی است که همه این موارد ابزار آزمایش انسان توسط خدای متعال به شمار می‌آیند:

«وَتَبْلُوكُمْ بِالْأَسْرِّ وَالْأَخْبَرِ فِتْنَةً وَإِنَّا تُرْجَعُونَ (انبیاء: ۳۵): و شما را با بدیها و خوبیها آزمایش می‌کنیم و سرانجام بسوی ما بازگردانده می‌شوید!»

در این میان تنها کسانی از میان موانع و مشکلات، سلامت به مقصد می‌رسند که با صبر، به قضای الهی راضی شده و تمایلات نفسانی را حبس نموده، و تسلیم امر خداوند گشتند. مصائب گوناگون آنان را از شکر، اطاعت و عبادت خداوند باز نداشته و با وجود تمام مشکلات، خود را به انجام وظایف الهی و ادار سازند (بلاغی نجفی، آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۱۴۱).

خداوند در قرآن کریم در موارد مختلف به شکلهای گوناگون به این موضوع پرداخته و انسانها را با جایگاه و ارزش صبر آشنا ساخته است؛ همچنین به صابرین همراهی و یاری خود را در مراحل سخت زندگی، وعده داده و نعمت‌های ویژه‌ای عنایت کرده است:

«وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ... أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ: بشارت ده به استقامت‌کنندگان!... اینها، همانها هستند که الطاف و رحمت خدا شامل حالشان شده و آنها هستند هدایت‌یافتگان!» (طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۷، ص ۷۴-۷۵).

واژه صبر و مشتقات آن ۱۰۳ بار در قرآن به کار رفته که نشان از اهمیت ویژه این حرکت اخلاقی از دیدگاه دین مبین اسلام و قرآن کریم دارد (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۵۳۰-۵۳۱).

### ۳. تاثیر صبر حضرت خدیجه بر آرامش خانواده

در این قسمت به بررسی تاثیر صبر حضرت خدیجه بر آرامش خانواده می‌پردازیم:

#### الف) تقویت ایمان به خدا

نخستین ویژگی و خصوصیت حضرت خدیجه (س) درک ارزش‌های واقعی پیامبر اعظم (ص) در برابر فریبندگی‌های ظاهری و دنیوی بود. او معنای مقامات معنوی و کمالات انسانی را به خوبی شناخت و چون آن را تنها در وجود پیامبر خدا یافت، حاضر شد تمام شخصیت و دارایی خود را برای درک او فدا کند. وی در این راه، هم از مال خود گذشت، هم از موقعیت اجتماعی‌اش.

در فرهنگ قرآنی کسانی که ایمان به خدا در شمار رستگاران و خوشبختان قرار دارند و از تاثیر صبر زن بر آرامش خانواده تقویت ایمان به خدا به شمار می آیند. که در سوره عصر این مطلب قابل مشاهده است آن جا که خداوند متعال می فرماید:

«وَالْعَصْرِ \* إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ \* إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ تَوَصَّوْا بِالْحَقِّ وَ تَوَصَّوْا بِالصَّبْرِ» (بقره: ۱۵۵ و ۱۵۷)؛ سوگند به این زمان که آدمی در خسران است\* مگر آنها که ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند و یکدیگر را به حق سفارش کردند و یکدیگر را به صبر سفارش کردند\* در تفسیر این سوره آمده:

«سرمایه آدمی زندگی او است، با زندگی است که می تواند وسیله عیش خود در زندگی آخرت را کسب کند، اگر در عقیده و عمل حق را پیروی کند تجارتش سودبخش بوده، و در کسبش برکت داشته است، و در آینده اش از شر ایمن است، و اگر باطل را پیروی کند، و از ایمان به خدا و عمل صالح اعراض نماید، تجارتش ضرر کرده (نه تنها از سرمایه عمر چیزی زاید بر خود سرمایه به دست نیاورده، بلکه از خود سرمایه خورده، و سرمایه را وسیله بدبختی خود کرده است) و در آخرتش از خیر محروم شده است (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۲۰، ص ۶۱۰).

لذا در سوره مورد بحث می فرماید: "إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ" و مراد از ایمان، ایمان به خدا، و مراد از ایمان به خدا ایمان به همه رسولان او، و مراد از ایمان به رسولان او اطاعت و پیروی ایشان است، و نیز ایمان به روز جزا است هم چنان که قرآن در جای دیگر تصریح کرده به اینکه کسانی که به بعضی از رسولان خدا ایمان دارند، و به بعضی ندارند، مؤمن به خدا نیستند.

ظاهر جمله "وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ" این است که به همه اعمال صالح متصف باشد. پس این جمله استثنائیه شامل فاسقان که بعضی از صالحات را انجام می دهند، و نسبت به بعضی دیگر فسق می ورزند نمی شود، و لازمه این، آن است که منظور از خسران اعم از خسران به تمام معنا باشد یعنی شامل خسران از بعضی جهات هم بشود، و بنا بر این دو طایفه خاسرند، یکی آنهایی که از جمیع جهات خاسرند نظیر کفار معاند حق و مخلد در عذاب، دوم آنهایی که در بعضی جهات خاسرند، مانند مؤمنینی که مرتکب فسق می شوند و مخلد در آتش نیستند چند صباحی عذاب می بینند، بعد عذابشان پایان می پذیرد و مشمول شفاعت و نظیر آن می شوند.

"وَتَوَصَّوْا بِالْحَقِّ وَ تَوَصَّوْا بِالصَّبْرِ" کلمه "تواصی" به معنای سفارش کردن این به آن و آن به این است. و "تواصی" به حق "این است که: یکدیگر را به حق سفارش کنند، سفارش کنند به اینکه از حق پیروی نموده و در راه حق استقامت و مداومت کنند، پس دین حق چیزی به جز پیروی اعتقادی و عملی از حق، و تواصی بر حق نیست، و تواصی بر حق عنوانی است وسیع تر از عنوان امر به معروف و نهی از منکر، چون امر



به معروف و نهی از منکر شامل اعتقادات و مطلق ترغیب و تشویق بر عمل صالح نمی‌شود، ولی تواصی بر حق، هم شامل امر به معروف می‌شود و هم شامل عناوین مذکور.

در اینجا سؤالی به نظر می‌رسد، و آن این است که: تواصی به حق، خود یکی از اعمال صالح است، و با اینکه قبلاً عنوان کلی "وَعَمَلُوا الصَّالِحَاتِ" را ذکر کرده بود، چه نکته‌ای باعث شد که خصوص تواصی به حق را نام ببرد؟ (همان، ص ۶۱۱).

جوابش این است که:

این از قبیل ذکر خاص بعد از عام است، که در مواردی بکار می‌رود که گوینده نسبت به خاص عنایت بیشتری داشته باشد، و شاهد بر اینکه خدای تعالی از میان همه اعمال صالح به تواصی به حق عنایت بیشتر داشته، و بدین منظور خصوص آن را بعد از عموم اعمال صالح ذکر نموده این است که همین تواصی را در مورد صبر تکرار کرد، و با اینکه می‌توانست بفرماید: "و تَوَاصُوا بِالْحَقِّ وَالصَّبْرِ"، فرمود: "و تَوَاصُوا بِالْحَقِّ وَ تَوَاصُوا بِالصَّبْرِ".

و بنا بر همه آنچه گفته شد، ذکر تواصی به حق و به صبر، بعد از ذکر اتصافشان به ایمان و عمل صالح برای این بوده که اشاره کند به حیات دل‌های مؤمنین، و پذیرا گشتن سینه‌هاشان برای تسلیم خدا شدن، پس مؤمنین اهتمامی خاص و اعتنایی تام به ظهور سلطنت حق و گسترده شدن آن بر همه مردم دارند، و می‌خواهند همه جا حق پیروی شود، و پیروی آن دائمی گردد» (همان، ص ۶۱۲).

تقویت ایمان به خدا آثار متعددی در رفتار انسان و اعضای خانواده دارد و هریک به شیوه‌ای خاص بر کارآمدی خانواده اثر می‌گذارد. فردی که خدا را همواره ناظر بر اعمال خود می‌بیند (حدید: ۴) و براساس کلام وحی، آفریدگارش را از رگ گردن به خود نزدیک‌تر می‌بیند (ق: ۱۶) می‌کوشد در برخورد با دیگر اعضای خانواده و ادای وظایف و رعایت حقوق، رضایت او را جلب کند و رفتارهایش را در زندگی خانوادگی برای رسیدن به رشد، تعالی و کمال تنظیم نماید.

زن می‌تواند به کمال و سعادت برسد که از آرامش برخوردار باشد. آرامش نیز خود در فضای خانوادگی آرام به وجود خواهد آمد و با خانواده آرام کارآمدی آن نیز تأمین خواهد شد. در تعالیم مذهبی اصلی‌ترین عامل برای رسیدن به آرامش و حفظ آن، «ایمان به خداوند» بیان شده است. در روایتی کوتاه و پرمعنای امیرمؤمنان علی علیه‌السلام می‌فرمایند: «ایمان بیاور تا در امان باشی» (آمدی، غررالحکم و دررالکلم، ص ۸۸).

همچنین آن حضرت ایمان به خدا را مساوی با آرامش و امنیت می‌دانند و در روایتی دیگر می‌فرمایند: «ایمان همان امنیت و آرامش است» (همان).

بنابراین، ایمان به معنای صحیح آن، در افکار و عواطف و فعالیت‌های انسانی منعکس می‌شود و به عبارتی می‌توانیم بگوییم: ایمان همان یقین انسان در مراحل و ساحت‌های مختلف وجودی اوست؛ اما صورت ایمان همان است که نزد بسیاری از مردم وجود دارد. آنان معتقدند که مؤمن هستند؛ ولی ایمانشان در اعمال و افکار و عواطفشان انعکاسی ندارد. پس این شکل ایمان است و نه حقیقت ایمان و ما می‌توانیم آن را به واژه مسلمان یا مسیحی که در شناسنامه فرد نوشته می‌شود، تشبیه کنیم. بنابراین، ایمان به معنای درست کلمه، نقشی زنده و مؤثر و فعال در روح انسان دارد.

پس ایمان به خدا موجب رستگاری و خوشبختی می‌شود و از خسران و بدبختی به دور می‌کند و از ویژگی‌های خانواده‌های سالم به شمار می‌آیند.

اسلام در جهت تحقق اهداف ازدواج و تحکیم بنیان خانواده، بر ایمان تأکید و به کسانی که قصد ازدواج دارند توصیه می‌کند که دین و اخلاق همسر خود را منظور بدانند.

خدیجه (س) برای درک این کمال واقعی، قالب‌های جاهلی را شکست و بهایی سنگین؛ از جمله قطع رابطه زنان را، حتی تا زمان تولد حضرت فاطمه (س) به جان خرید. خدیجه (س) این نوع نگرش خود را هنگام ابراز تمایل به ازدواج، این‌گونه با پیامبر مطرح کرد:

«يَا ابْنَ عَمِّ! إِنِّي قَدْ رَغَبْتُ فِيكَ لِقَرَابَتِكَ، وَ سِطَّتِكَ فِي قَوْمِكَ وَ أَمَانَتِكَ وَ حُسْنِ خُلُقِكَ، وَ صِدْقِ حَدِيثِكَ» (ابن هشام، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۸۸).

«ای پسر عمو، شیفتگی و اشتیاق من نسبت به تو، به خاطر خویشاوندی، بزرگواری و شرافت، امانت‌داری، خوش‌خلقی و راستگویی‌ات در میان مردم است.»

این نوع نگرش و رفتار، در جامعه‌ای که عموم مردم و توده‌ها روابط خود را بر اساس ظواهر و زرق و برق‌های دنیوی پایه‌ریزی می‌کنند، نمی‌توانست پیامدهای تلخ و ناگوار نداشته باشد. لذا به فاصله‌ای اندک از پخش خبر ازدواج وی با امین قریش، گروهی از زنان به عیب‌جویی از وی پرداختند و در محافل خود، او را سرزنش کردند. آنان می‌گفتند:

«او با این همه حشمت و شوکت با یتیم ابوطالب که جوانی فقیر است، ازدواج کرد! چه ننگ بزرگی؟!»

خدیجه (س) در مقابل این جهالت‌ها ساکت ننشست و آنان را به صرف غذا دعوت کرد و در پایان مهمانی، خطاب به آنان گفت:

«ای زنان، شنیده‌ام شوهران شما [و خودتان] در مورد ازدواج من با محمد (ص) خرده گرفته‌اید و عیب‌جویی می‌کنید. من از خود شما می‌پرسم آیا در میان شما شخصیتی مثل محمد وجود دارد؟ آیا در گستره

مکه و اطراف آن، شخصیتی در فضایل و اخلاق نیک، مانند او سراغ دارید؟ من به خاطر این ویژگی‌ها با او ازدواج کردم و چیزهایی از او دیده‌ام که بسیار عالی است. پس شایسته نیست شما این گونه سخن بگویید و نسبت‌های ناروا به دیگران دهید. زنان قریش بعد از این سخنان خدیجه (س)، همگی سکوت کردند و به تدریج پراکنده شدند.» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۶، ص ۸۱).

این شیوه استدلال خدیجه (س) که عمق ارزش‌گرایی او را در انتخابش نشان می‌داد، برای جامعه جاهل و متعصب آن روز قابل درک نبود؛ لذا زنان لجوج قریش به حالت قهر با او برخورد داشتند. آنها دیگر به خدیجه (س) سلام نمی‌کردند و به دیدارش نمی‌رفتند. حتی تا سال پنجم بعثت که حضرت زهرا (س) متولد شد نیز این شیوه رفتاری همچنان پا برجا بود؛ لذا حتی هنگام وضع حمل، او را تنها گذاشتند و پیام فرستادند که: «تو با ما مخالفت کردی و همسر یتیم ابوطالب شدی! ما هرگز نزد تو نمی‌آئیم و در هیچ کاری یاری‌ات نمی‌کنیم.»

این حجم از کینه‌ورزی‌ها دل خدیجه (س) را آزرده تا آنجا که خداوند چهار بانوی پاکیزه (ساره، آسیه، مریم و صفورا دختر شعیب پیامبر) را به یاری او فرستاد و بدین‌سان، پاداش عشق و علاقه به کمالات انسانی را دریافت کرد و فرزندش فاطمه زهرا (س) را به دنیا آورد (همان، ج ۱۶، ص ۸۰).

### ب) افزایش محبت به اهل بیت و تلاش برای جلب رضایت پیامبر (ص)

حضرت خدیجه تمام توان خود را به کار می‌برد تا امور منزل را مطابق میل رسول الله (ص) اداره کند؛ از جمله اینکه چون به میزان علاقه پیامبر به عبادت آگاه بود، چنان رفتار می‌کرد که پیامبر به راحتی به عبادت و راز و نیازش مشغول باشد و حضور خدیجه (س) را مانعی برای عبادتش نداند.

از منظر پیامبر محبت (ص) کسانی که دوستی خداوند متعال را دارند و مرگ و آرزو همراهان او هستند و او را غافل گیر نمی‌کنند، در شمار رستگاران و خوشبختان قرار دارند و این از آثار صبر زن است که به آنها در روایت چنین اشاره شده است:

«إِذَا اسْتُحِصَّتْ وَلَايَةُ اللَّهِ وَالسَّعَادَةُ جَاءَ الْأَجَلُ بَيْنَ الْعَيْنَيْنِ وَ ذَهَبَ الْأَمَلُ وَرَاءَ الظَّهْرِ ...؛

هرگاه کسی مستحق دوستی خداوند و خوشبختی باشد، مرگ در برابر چشمان او می‌آید و آرزو پشت سرش می‌رود ...» (کلینی، الکافی، ج ۳، ص ۲۵۸).

تولی و دوستی خداوند جز به نفع انسان نیست چون با این دوستی فرد راه سعادت را هموار می‌کند و فقط خدا را می‌بیند و همه چیز را به خاطر او می‌خواهد و به خداوند متعال ظن نیک دارد.

دوستی صادق و محبت واقعی در صورتی است که انسان نسبت به خواسته‌های محبوب، از خود عکس العمل نشان دهد و با عشق و علاقه سخن محبوبش را گوش کند و از او پیروی نماید. این اطاعت و پیروی از محبوب نیز، باید هم ظاهری و هم باطنی باشد، به این معنا که نباید اطاعتش لقلقه‌ی زبان باشد بلکه دوستدار واقعی آن کسی است که در ظاهر و باطن و نهان و آشکار مطیع محبوب خود باشد.

بدیهی است که اطاعت و پیروی از محبوب، باعث ایجاد محبت بیشتر می‌شود و لذا محبت واقعی هر چه بیشتر در اجرای احکام و اوامر و نواهی الهی تلاش و کوشش نماید در واقع زمینه‌ی جلب محبت الهی را فراهم‌تر خواهد نمود.

«حبّ و بغض و ملاک دوستی و دشمنی ما باید بر مبنای سیره پیامبر باشد. پیامبر (ص) در این روایت می‌فرماید که نشانه محبت خداوند، آشکار شدن این علاقه در عمل است و آثار مثبتی در زندگی دارد» (محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ج ۲، ص ۲۲۸)

در حدیث دیگری از امام صادق علیه السلام می‌خوانیم: روزی پیامبر صلی الله علیه و آله به یارانش فرمود:

«ای عری الایمان اوثق؟ فقالوا: الله و رسوله اعلم و قال بعضهم الصلوٰه، و قال بعضهم الزکاه، و قال بعضهم الصیام، و قال بعضهم الحج و العمره، و قال بعضهم الجهاد، فقال رسول الله صلی الله علیه و آله لكل ما قلمت فضل و لیس به، ولكن اوثق عری الایمان الحب فی الله و البعض فی الله و تولی اولیاء الله و التبری من اعداء الله؛ کدامیک از دستگیره‌های ایمان محکمتر و مطمئن تر است؟ یاران عرض کردند خدا و رسولش آگاهتر است، و بعضی گفتند نماز، و بعضی گفتند زکات و بعضی روزه، و بعضی حج و عمره، و بعضی جهاد! رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: همه آنچه را گفتید دارای فضیلت است ولی پاسخ سؤال من نیست؛ محکمترین و مطمئن ترین دستگیره‌های ایمان، دوستی برای خدا و دشمنی برای خداست، و دوست داشتن اولیاء الله و تبری از دشمنان خدا» (کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۱۵۲).

«در روایت مذکور پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله نخست باین سؤال مهم، افکار مخاطبان را در این مساله سرنوشت ساز به جنب و جوش در آورد - و این کاری بود که پیامبر صلی الله علیه و آله گاه قبل از القاء مسایل مهم انجام می‌داد - گروهی اظهار بی اطلاعی کردند، و گروهی با شمردن یکی از ارکان مهم اسلام پاسخ گفتند؛ ولی پیامبر صلی الله علیه و آله درعین تاکید بر اهمیت آن برنامه‌های مهم اسلامی، سخنان آنها را نفی کرد، سپس افزود: مطمئن ترین دستگیره ایمان، حب فی الله و بعض فی الله است!

تعبیر به «دستگیره» در اینجا گویا اشاره به این است که مردم برای وصول به مقام قرب الی الله، باید به وسیله‌ای چنگ بزنند و بالا بروند، که از همه مهمتر و مطمئن تر، دستگیره حب فی الله و بغض فی الله است.

این به خاطر آن است که پیوند محبت با دوستان خدا و اقتدا و تاسی به اولیاء عاملی است برای حرکت در تمام زمینه‌های اعمال خیر و صفات نیک.

بنابراین، با احیاء این اصل، اصول دیگر نیز زنده می‌شود؛ و با ترک این اصل، بقیه تضعیف یا نابود می‌گردد» (مکارم شیرازی، اخلاق در قرآن، ج ۱، ص ۳۷۸).

پس همسری که حبّ و بغض و تولی و تبری الهی داشته باشد سعی می‌کند به گونه‌ای عمل کند که هم در ظاهر وهم در باطن در راستای رضایت خداوند حرکت کند نه عدم رضایت پروردگار خود.

از نظر حجاب، دینداری، صدق و کذب، امانتداری و... در راستای الهی و اقتدا به خداوند و معصومین بزرگوار به آن‌ها تاسی می‌کنند و عمل به حبّ و بغض و تولی می‌کنند.

پیامبر قبل از بعثت، هر ماه چند بار و نیز همه ساله ماه رمضان را در غار حِرا به تفکر و عبادت خداوند می‌گذراند (ابن ابی‌الحدید، بی‌تا، ج ۱۳، ص ۲۰۸) و این عمل بعد از ازدواج نیز ادامه داشت. لذا امام هادی (ع) می‌فرمود:

«پیامبر اسلام پس از سفر تجاری شام، درآمدش را میان فقرا تقسیم کرد و هر روز بامداد به فراز کوه حِرا می‌رفت و به تماشای شگفتی‌های خلقت مشغول می‌شد و تحت تأثیر عظمت خدا قرار می‌گرفت و خدا را آن‌گونه که شایسته بود عبادت می‌کرد.» (مجلسی، ج ۱۷، ص ۳۰۹).

حضرت خدیجه با درک چنین روحیاتی از پیامبر خدا، هرگز برای او مزاحمتی ایجاد نمی‌کرد و همیشه با همدلی و همراهی، او را بدرقه می‌کرد. غذایش را به وسیله حضرت علی (ع) به بالای کوه می‌فرستاد و گاه خود نیز با حضرت همراه می‌شد.

علامه مجلسی به نقل از صحاح اهل سنت می‌نویسد:

«در آن ماه رمضان که پیامبر در کوه حِرا به سر می‌برد و وحی و بعثت آغاز می‌شد، حضرت علی و خدیجه (س) و یکی از غلامان در حضورش بودند.» (همان، ج ۱۵، ص ۳۶۳).

برای نمونه، تنها یکی از این دست عبادت‌های پیامبر چهل روز به درازا کشید و حضرت خدیجه تمام این مدت را به تنهایی گذراند.

چنین عبادت‌های طولانی به طور طبیعی می‌توانست موجب ناراحتی، دلشوره‌ها و نگرانی‌های مختلفی برای خدیجه (س) شود. اما او نه تنها اعتراض نمی‌کرد، بلکه با پیامبر خدا همراهی نیز می‌نمود. لذا پیامبر (ص) که خود متوجه نگرانی‌های خدیجه (س) بود، عمار را نزد او فرستاد و چنین پیام داد:

«ای خدیجه، گمان نکن کناره-گیری من به دلیل بی‌اعتنایی به تو است. بلکه پروردگرم چنین فرمود: تا امر خود را اجرا کند. جز خیر و سعادت اندیشه مکن. خداوند هر روز، چند بار به خاطر تو به فرشتگان بزرگش مباحثات می‌کند.

پس وقتی شب شد، در را ببند و در بستر خود استراحت کن.» (همان، ج ۱۶، صص ۸۰ - ۷۹).  
 همراهی و همدلی خدیجه (س) و تلاش او برای کسب رضایت پیامبر (ص) به حدی بود که وقتی هنگام وفات در ضمن وصیت-هایش به پیامبر (ص) گفت:  
 «من در حق شما کوتاهی کردم، عفو من کن!»، پیامبر فرمود: «هرگز از تو تقصیری ندیدم و تو نهایت تلاش خود را به کار بردی و در خانه من بسیار خسته شدی.» (همان، ج ۲، ص ۲۳۵).

### ج) افزودن توکل بر خدا و ایمان و اسلام محکم و پایدار

بصیرت و ژرف‌نگری حضرت خدیجه (س) که باعث انتخاب محمد (ص) برای همسری‌اش گردید، همان عامل ایمان و اسلام او نیز گشت و باعث شد که لقب اول زن مسلمان را به خود اختصاص دهد.  
 در فرهنگ اسلامی کسانی که توکل بر خدا می‌کنند در ردیف خانواده سالم قرار دارند و یکی از آثار صبر زن، افزودن توکل بر خداست.

«معنای توکل بر خدا، همان سپردن کار به دست خداست تا آدمی را در تمام موارد کمک کند و نارسایی‌های او را برطرف سازد.

انسان در طول زندگی خود با مشکلات و پیچیدگی‌ها، مواجه بوده و احساس می‌کند که به تنهایی قادر بر انجام دادن امور نیست؛ چنین انسانی، برای رفع حقارت و ضعف خود، باید با تشبث (چنگ زدن) به عوامل طبیعی و اسباب مادی از نیروی غیبی و قدرت بی‌پایان خدا استمداد جوید که او را در راه هدف، موفق گرداند» (سبحانی، سیمای انسان کامل در قرآن، تفسیر سوره فرقان، ص ۲۱۱).

در حدیثی رسول گرامی اسلام (ص) از جبرئیل (ع) می‌پرسد: معنای توکل بر خدا چیست؟

جبرئیل (ع) در پاسخ می‌گوید: «العلم بان المخلوق لا یضر و لا ینفع و لا یعطى و لا یمنع و استعمال الیأس من الخلق؛ حقیقت توکل علم و آگاهی به این است که مخلوق نمی‌تواند زیانی برساند و نه سودی و نه چیزی ببخشد و نه از آن باز دارد، و نیز توکل مایوس شدن از خلق است (یعنی همه چیز را از خدا و به فرمان او بداند) (مجلسی، بحار الانوار، ج ۶۸، ص ۱۳۸).

توکل یکی از ارکان ایمان است، بنابراین رابطه عمیق و تنگاتنگ با ایمان دارد، در قرآن نیز توکل در مورد افراد مؤمن مطرح شده است. پس یکی از عوامل اصلی و مهم در ایجاد ریشه توکل در خویش این است

که «ایمان به خدا» تقویت کنیم و رفتارهایی که ریشه در ایمان با خدا دارد مکرراً انجام شود تا هم ایمان تقویت شود و هم توکل افزایش یابد.

یکی دیگر از عوامل مؤثر در پیدایش روحیه توکل این است که سعی کنیم از هیچ کس جز خدا بیم و هراس نداشته باشیم. در روایات متعدد به این نکته اشاره شده است که اگر می‌خواهید به مقام توکل نایل شوید باید به غیر از خدا از هیچ کسی بیم و هراس نداشته باشید.

خلاصه آن که برای ایجاد و پرورش توکل باید ایمان و یقین را در خویش تقویت نموده، از غیر خدا قطع طمع نماییم و به جز خدا از هیچ کسی بیم و هراس نداشته باشیم. اعتماد ما فقط به خدا باشد و همه کارها را از سوی او بدانیم و نیز نسبت به مقدرات الهی راضی باشیم.

توکل بر خداوند متعال سبب تقویت اراده و قوت قلب اعضای خانواده می‌شود و روزنه امیدی در برابر افراد می‌گشاید و گاهی اوقات مشکلات را از راه‌هایی حل می‌کند که به هیچ وجه به ذهن افراد خطور نمی‌کرده است (طلاق: ۲ و ۳).

نکته مهمی که بر کارآمدی خانواده می‌افزاید و به آنان در مواجهه با نابسامانی‌ها یاری می‌دهد، توصیه متقابل اعضای آن به توکل بر خداوند و خالق هستی است. این نکته برای زنان اهمیت بیشتری دارد و مثبت‌تر ارزیابی شده است؛ زیرا در حالی که حل بیشتر مشکلات و به ویژه مشکلات اقتصادی بر عهده مرد است، تقویت روحیه مرد برای مدیریت و حل مشکلات از جانب دیگر اعضای خانواده و مخصوصاً همسر اهمیتی دو چندان دارد (سالاری‌فر، خانواده در نگرش اسلام و روان‌شناسی، ص ۱۱۱ / صفورائی، نقش اعتقادات، بینش‌ها و باورهای دینی، ص ۶۰).

«در منابع روایی، تعدادی از احادیث در ذمّ اعتماد به نفس آمده است. معنای نفس در مباحث کلامی، اعتقادی و روان‌شناختی متفاوت است. همچنین معنای اعتماد به نفس در روان‌شناسی، با آیات و روایات متفاوت است و توجه به تفاوت واژه‌ها در اصطلاحات مختلف این مشکل را حل می‌کند.

اعتماد به نیروهایی که خداوند در وجود ما قرار داده است، بی‌گمان با توکل و اعتماد بر خداوند ناسازگار نیست و این بدان معنا نیست که فرد دارای اعتماد به نفس، دیگر توکل را کنار گذاشته و تنها به خود متکی است، بلکه مفهوم اعتماد به نفس در امتداد توکل به خدا قرار دارد. توکل و اعتماد به نفس در طول هم قرار گرفته‌اند، نه در عرض هم.

بر اساس حدیث زیر، اعتماد بر نفس خود کردن از محکم‌ترین فرصت‌های شیطان است؛ یعنی هر که اعتماد بر نفس خود کند و اعتقاد به این مطلب داشته باشد که مرتکب بدی نمی‌شود و هرچه انجام دهد، خوب

است و از اعمال خود هراسی نداشته باشد و اعتمادش بر عصمت و لطف خدا نباشد، این از محکم ترین فرصت های شیطان برای گمراه نمودن فرد است.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام می فرماید: اطمینان به خود، از مطمئن ترین فرصت های شیطان است (آمدی، غررالحکم و دررالکلم، ص ۷۸).

توکل منافی سعی و تلاش نیست، بلکه در کنار تلاش از لوازم اساسی تحقق مسئله توکل به شمار می آید. اعتماد به نفس در طول اعتماد به خدا واقع شده است. پس اعتماد به نفس مقبول در اسلام، یعنی: اعتماد بر نیروهای خویش در کنار تکیه و توکل به خدا که در اسلام مورد تأیید است و اعتماد به نفس مردود، یعنی: تکیه بر نیروهای ذاتی خویش بدون توکل بر خدا که در اسلام رد شده است.

پس مسئله توکل به عنوان حقیقتی انکارناپذیر در زندگی انسان به معنای اعتماد به خدا و تفویض امور به اوست» (حیدری، توکل؛ لوازم و موانع آن در روایات، ص ۷۵).

پس با توکل بر خدا، کارها و امور زندگی را به دست او می سپارد و نقطه امیدی در زندگی و در برابر طوفان مشکلات می یابد که همان توکل است که زندگی را رو به جلو و رو به پیشرفت در خانواده می برد. در فرهنگ قرآنی کسانی که توکل بر خدا دارند در ردیف مومنان قرار دارند. که در قرآن به آنها چنین اشاره شده است:

«إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ... وَ عَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ» (الأنفال: ۲)؛ اهل ایمان کسانی هستند که ... و تنها به پروردگارشان توکل می کنند.

مفسران در این باره چنین گفته اند:

«اینان بخدا توکل می کنند و امور زندگی خود را به او واگذار می کنند. برخی گویند: یعنی بخدا امیدوارند که پاداش آنها را می دهد (طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۰، ص ۱۶۲).

منظور از توکل سپردن کارها به خدا، و اعتماد بر لطف اوست، زیرا «توکل» از ماده «وکالت» به معنی انتخاب وکیل نمودن و اعتماد بر دیگری کردن است، بدیهی است هر قدر وکیل توانایی بیشتر و آگاهی فزون تر داشته باشد شخص موکل احساس آرامش بیشتری می کند، و از آنجا که علم خدا بی پایان و توانایش نامحدود است.

هنگامی که انسان توکل بر او می کند آرامش فوق العاده احساس می کند، در برابر مشکلات و حوادث مقاوم می شود، و از دشمنان نیرومند و خطرناک نمی هراسد، در سختیها خود را در بن بست نمی بیند و پیوسته راه خود را به سوی هدف ادامه می دهد.



نقطه مقابل توکل بر خدا، تکیه کردن بر غیر اوست؛ که با توحید منافات دارد و نشانه این است که شخص متوجه علت واقعی پدیده‌ها نیست. و نگاهش محدود بوده و نتوانسته عمق مسائل را دریابد. برای تحقق توکل واقعی باید معرفت و شناخت و ایمان خود را به خداوند و علم و قدرت و رحمت او بیشتر نماییم و با اعمال نیک و شایسته ریشه درخت ایمان را عمیق و استوار نماییم و با چنین معرفت و ایمانی واگذاری کار به خدا و انتخاب او به وکالت در امور مختلف کار چندان سختی نخواهد بود و مشکل اصلی همان مسأله عدم شناخت درست و عمیق و نبود ایمان سرشار و نقش آفرین است. بندگان مؤمن خداوند، چنان افق فکرشان بلند است که از تکیه بر مخلوقات ضعیف ناتوان هر قدر هم به ظاهر عظمت داشته باشند ابا دارند. آنها آب را از سرچشمه می‌گیرند و هر چه می‌خواهند و می‌طلبند از اقیانوس بی کران عالم هستی یعنی از ذات پاک پروردگار می‌طلبند. البته مفهوم توکل این نیست که انسان دست از تلاش و کوشش بردارد و به گوشه انزوا بخزد و بگوید تکیه گاه من خداست، بلکه مفهوم آن این است که با اراده‌ای قوی و بدون خلل، به پیش می‌رود و در انجام کارها، دچار اضطراب و دو دلی نمی‌شود» (همان، ص ۱۶۳).

خانواده همانند بندگان مؤمن خداوند، با توکل بر خدا موجب آرامش و پیشرفت روحی و روانی و جسمی می‌شوند.

علامه طباطبایی در این باره می‌فرماید:

«دست یافتن به هدف و مقصد در این عالم (که عالم ماده است) احتیاج به اسبابی طبیعی و اسبابی روحی دارد، و چنان نیست که اسباب طبیعی تمام تاثیر را داشته باشد، پس اگر انسان بخواهد وارد در امری شود که بسیار مورد اهتمام او است.

و همه اسباب طبیعی آن را که آن امر نیازمند به آن اسباب است فراهم کند، و با این حال به هدف خود نرسد، قطعاً اسباب روحی و معنوی (که گفتیم دخالت دارند) تمام نبوده، و همین تمام نبودن آن اسباب نگذاشته است که وی به هدف خود برسد، مثلاً اراده‌اش سست بوده، یا می‌ترسیده یا اندوه و غم مانعش شده یا شدت عمل و یا حرص و یا سفاهت به خرج داده یا سوء ظن داشته و یا چیز دیگری از این قبیل مانع به هدف رسیدنش شده است.

و یا چیز دیگری از این قبیل مانع به هدف رسیدنش شده است، و این گونه امور بسیار مهم و عمومی است و اگر همین انسان در هنگام ورود در آن امر به خدا توکل کند در حقیقت به سببی متصل شده که شکست‌ناپذیر است، سببی است فوق هر سبب دیگر، و در نتیجه تمسک به چنین سببی، اراده‌اش نیز قوی

می‌شود، دیگر هیچ یک از اسباب ناسازگار روحی، بر اراده او غالب نمی‌آید و همین است موفقیت و سعادت» (طباطبایی، تفسیر المیزان، ج ۴، ص ۱۰۱).

انسان برای رسیدن به سعادت و خوشبختی باید تمام امور خود را به خدا واگذار کند و البته از اسباب طبیعت و تلاش خود نیز یاری بگیرد. و از شاخصه‌های خانواده سالم، توکل بر خداوند متعال و واگذاری امور بر اوست.

پس اعضای خانواده باید بر خدا باید توکل کند در آیه سوم سوره طلاق آمده که خداوند می‌فرماید: «وَيَرْزُقُهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ ۚ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ ۗ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا؛ و او را از جایی که گمان ندارد روزی می‌دهد؛ و هر کس بر خدا توکل کند، کفایت امرش را می‌کند؛ خداوند فرمان خود را به انجام می‌رساند و خدا برای هر چیزی اندازه‌ای قرار داده است!».

«ابن عبدالبر» به سند خود از پدر «ابی‌رافع» نقل می‌کند که پیامبر خدا در روز دوشنبه (مبعث)، نماز اقامه کرد و خدیجه (س) در [ساعات] آخر همان روز نماز خواند (همان، ج ۲، ص ۴۱۹). علی (ع) این گونه بر ایمان و اسلام خدیجه (س) صحه گذاشته است:

«لَمْ يَجْمَعْ بَيْتٌ وَاحِدٌ يُؤْمِنُ فِي الْإِسْلَامِ غَيْرَ رَسُولِ اللَّهِ وَ خَدِيجَةَ وَ أَنَا ثَالِثُهُمْ. أَرَى نُورَ الْوَحْيِ وَ الرِّسَالَةَ وَ أَشْمُ رِيحَ النَّبُوَّةِ» (ابن ابی الحدید، ج ۱۳، ص ۱۹۷).

«خانه‌ای واحد در آن روز، در اسلام جمع نشد، غیر از پیامبر خدا (ص) و خدیجه (س) و من که سومین آنان بودم. نور وحی و رسالت را می‌دیدم و بوی نبوت را استشمام می‌کردم.» خدیجه (س) تا آخرین لحظه بر ایمان خویش پای فشرد و در راه اسلام فداکاری و گذشت کرد و یک لحظه از رهبر اسلام و حمایت از او غافل نشد.

#### د) افزایش اعتقاد به معاد و صبر و بردباری

در فرهنگ قرآنی معاد باوران در شمار رستگاران و خوشبختان قرار دارند (بقره: ۳) و از آثار صبر زن، افزایش اعتقاد به معاد می‌باشد و حضرت خدیجه (س) صبر و تحمل را در زندگی با پیامبر خدا (ص) پیشه خود ساخت و در برابر فشارهای مختلف همسایه‌های مشرک، زنان متعصب، محاصره اقتصادی و... بردباری و تحمل ویژه‌ای از خود نشان می‌داد.

اعتقاد به معاد، از اصول سه گانه دین مقدس اسلام و از ضروری ترین مسائل این دین پاک است. صدها آیه از آیات قرآن کریم و هزاران روایت از پیامبر اکرم (ص) و ائمه معصوم (ع) بر وجود معاد و برانگیختن

همه انسان‌ها پس از مرگ در یک روز معین اشاره و تأکید می‌کنند؛ روزی که در آن خداوند، نیکوکاران را نعمت و لذتی ابدی می‌بخشد و بدکاران را به سزای کردار و رفتارشان، گرفتار عذابی ابدی می‌کند. معادباوری نیز به این معناست که انسان در اعماق وجود خود به حیات ابدی ایمان آورده و اعتقاد به معاد را محور زندگی خود قرار دهد. در این رابطه بیشتر انسان‌ها براساس فطرت خود، با زبان یا نوع برخورد با مردگان، به وجود این اصل اقرار می‌کنند، با این تفاوت که برخی به طور قلبی و برخی در عمل، به آن یقین پیدا نکرده‌اند.

به عبارت دیگر، گرچه همه می‌دانند روزی مرگ به سراغ آنان می‌آید، ولی در عمل به گونه‌ای رفتار می‌کنند که گویی به مردن و برانگیخته شدن خود شک دارند و مرگ را باور ندارند. اسلام این نوع ایمان را نفی کرده و ایمان و اطمینان قلبی و به عبارت دیگر باور قلبی و ظهور عینی و عملی آن را در زندگی، مفهوم معادباوری معرفی می‌کند (مائده: ۶۹).

پس در فرهنگ قرآنی معاد باوری که از شاخصه‌های خانواده مثبت به شمار می‌آید چون موجب تغییر نوع نگاه انسان به زندگی و هدف از آن، معنادار و هدفمند ساختن زندگی، امنیت و آرامش روانی می‌شود. اعضای خانواده در فرایند زندگی بسان مسافران آن دو کشتی‌اند که در اقیانوس بی‌کران دنیای مادی در حرکت است. آنان که حیات را به همین چند روزه دنیا محدود می‌دانند و بر این گمان‌اند که با سپری شدن آن، چیزی جز فنا و نیستی در انتظارشان نیست، مانند سرنشینان کشتی‌ای هستند که راه به جایی نمی‌برند و مرگ در انتظارشان است.

اینان از اینکه پا به عرصه هستی خانواده گذاشته‌اند گله دارند و می‌گویند: ای کاش به دنیا نمی‌آمدیم و ازدواج نمی‌کردیم؛ همان‌گونه که آنان می‌گفتند: ای کاش بر کشتی سوار نمی‌شدیم. اینان در خانواده به علت توجه نکردن به اهداف متعالی به کارکردهای محدود زندگی خانوادگی اکتفا می‌کنند و خانواده بر اثر بی‌هدفی به راحتی به جدایی و انحلال کشیده می‌شود. اعتقاد به زندگی پس از مرگ، خانواده را متوجه اهداف پایداری می‌کند که باعث پیوند هرچه بیشتر اعضا و احساس مسئولیت آنان در برابر یکدیگر می‌شود (صفورائی، نقش اعتقادات، بینش‌ها و باورهای دینی، ص ۶۲).

### اهمیت و ضرورت معادباوری

پس از مسئله توحید، مسئله معاد را از نظر اهمیت، می‌توان مهم‌ترین مسئله دینی و اسلامی برشمرد. افزون بر آنکه مسئله معاد و قیامت از ضرورت‌های دین اسلام و پذیرش آن بر هر مسلمانی واجب است. در آموزه‌های وحیانی چنان اهمیتی دارد که در آیات قرآن، کلمه ایمان به خدا بارها همراه با ایمان به قیامت آمده است. هم نشینی این دو کلمه، دربردارنده این پیام برای مسلمانان است که باید به آخرت نیز همانند توحید،

ایمان و اعتقاد داشت. به عبارت دیگر همچنان که خدا باوری از نشانه‌های ایمان است، معاد باوری نیز نشانه ایمان است.

خداوند در قرآن کریم، ایمان به معاد و روز قیامت را در کنار ایمان به خدا موجب رسیدن به رستگاری و فیض ابدی معرفی می‌کند و می‌فرماید:

«...مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ عَمِلَ صَالِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (بقره: ۶۲).

هر کس به خدا و روز بازپسین ایمان داشت و کار شایسته کرد، پس اجرشان را پیش پروردگارشان خواهند داشت و نه بیمی بر آنان است و نه اندوهناک خواهند شد.

خانواده‌ای که به فقدان عزیزی یا معلولیت گسترده یا مشکلات بسیار شدید اقتصادی دچار می‌شود، کمتر چیزی مانند باور به معاد می‌تواند او را تسکین دهد. اساساً برخی مشکلات جبران‌ناپذیر است و افراد تنها با توجه به پاداش‌های زندگی اخروی می‌توانند خود را آرامش بخشند.

در جهان بینی اسلامی، معاد از مبدأ جدا نیست. گرچه در نگاه نخست، مبدأ و معاد در دو قوس قرار گرفته است و از معاد با عنوان «جهان پس از مرگ» یاد می‌کنیم، ولی با نگرشی دقیق، به حقیقتی شکوهمند می‌رسیم و آن اینکه هر دو قوس به یک نقطه می‌رسد، چنان که از یک نقطه آغاز شده و هر دو، جلوه یک حقیقت است:

«هُوَ الْاَوَّلُ وَ الْآخِرُ وَ الظَّاهِرُ وَ الْبَاطِنُ وَ هُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ» (حدید: ۳).

اوست اول و آخر و ظاهر و باطن، و او به هر چیز داناست.

«نکته جالب این است که مسئله «معاد» همانند مسئله «توحید»، امری فطری است و همان گونه که کشش درونی، هر انسانی را به سوی «معبود» خود می‌کشاند، نهاد آدمی نیز وی را به سوی میل به جاودانگی و جاودانه شدن می‌دهد.

هر چند معاد و اعتقاد به زندگی اخروی مانند توحید از امور فطری انسان است، گاه عوامل و شرایطی موجب می‌شوند انسان از این مسئله به کلی غافل شود و اینجاست که حکمت الهی اقتضا می‌کند مصلحانی به سوی مردم فرستاده شوند و آنان را متوجه مسئله‌ای کنند که در نهاد آنان جای دارد، ولی غبار غفلت آن را فرا گرفته است» (تعدادی از نویسندگان، معاد باوری، ص ۲ و ۳).

آن‌گاه که اعضای خانواده به جهان پس از مرگ معتقد باشند و در مقابل یکدیگر احساس مسئولیت کنند، به ادای وظایف و مسئولیت‌های خود پایبندند و از رفتارهای ناسالم اجتناب می‌ورزند. در کلمات اولیای دین در ازای اجرای وظایف خانوادگی وعده پاداش داده شده است. توجه به این پاداش‌ها و نعمت‌هایی که فرد

در جهان آخرت به آنها دست می‌یابد و سبب آسایش وی در زندگی اخروی می‌شود، در فرد برای انجام دادن کار انگیزه ایجاد می‌کند و او را برای فعالیت و کسب نعمت‌ها و پاداش تشویق می‌نماید.

وقتی که عضو خانواده در قرآن کریم می‌خواند: «شما و همسرانتان در نهایت شادمانی وارد بهشت می‌شوید. سینی‌هایی از طلا و جام‌هایی در برابر آنها می‌گردانند و در آنجا آنچه دل‌ها بخواهد و چشم‌ها از آن لذت ببرد، موجود است و شما در آن جاودانید، و این همان بهشتی است که به پاس اعمالی که انجام می‌دادید، وارث آن شده‌اید» (زخرف: ۷۰-۷۲).

زن برای رفتار مناسب و متعادل شوق و انگیزه مضاعف می‌یابد و رفتارهای بهنجار کارآمدی خانواده را تضمین خواهد کرد (صفورائی، نقش اعتقادات، بینش‌ها و باورهای دینی، ص ۶۳).

در فرهنگ قرآنی معاد باوری که از ویژگی‌های خانواده‌های مثبت به شمار می‌آید چون موجب تغییر نوع نگاه انسان به زندگی و هدف از آن، معنادار و هدفمند ساختن زندگی، امنیت و آرامش روانی، کنترل غرایز و پرورش فضیلت‌های اخلاقی، انجام دادن اعمال صالح و پرهیز از اعمال ناشایست است.

خدیجه (س) صبر و تحمل را در زندگی با پیامبر خدا (ص) پیشه خود ساخت و در برابر فشارهای مختلف همسایه‌های مشرک، زنان متعصب، محاصره اقتصادی و... بردباری و تحمل ویژه‌ای از خود نشان می‌داد؛ از جمله در واقعه شعب ابی طالب که موجب تحلیل قوای جسمانی خدیجه (س) شد؛ به اندازه‌ای که اندکی پس از پایان محاصره، وفات یافت. در این محاصره یاران پیامبر (چهل نفر) جز در چهار ماه حرام، مابقی ایام سال را در گرمای داغ تابستان و بیابان خشک و... می‌گذراندند. خدیجه (س) که در این زمان ۶۳ تا ۶۵ ساله بود، در شمار محاصره‌شدگان قرار داشت.

میزان فشاری را که بر محاصره‌شدگان وارد می‌شد، می‌توان از گزارش سعد وقاص فهمید. او می‌گفت: «شب‌ها از دره بیرون آمدم. از شدت گرسنگی، تمام توانم را از دست داده بودم. چشمم به پوست خشکیده شتری افتاد. آن را برداشتم و بعد از شستن و پختن و کوبیدن، با آب خمیر مخلوط کردم و سه روزی با آن به سر بردم (طبری، ج ۲، ص ۷۹).

در این دوره حتی برخی بستگان پیامبر نیز با بی‌رحمی تمام بر این فشارها می‌افزودند که از جمله آنها می‌توان از ابوجهل نام برد که مانع می‌شد تا حکیم بن حزام به عمه‌اش، خدیجه (س)، حتی از اموال خود خدیجه آذوقه برساند (مجلسی، ج ۱۹، ص ۱۸).

## نتایج:

۱. باور حضرت خدیجه، بالاترین نقش را در زندگی فردی و اجتماعی انسان دارد. اگر باورهای انسان در زندگی و به ویژه در خانواده سالم و مطابق با خواسته‌های خالق هستی باشد، زندگی او هم در مسیر صحیح و کارآمدی قرار خواهد گرفت و اگر بینش‌های نادرست، جهت‌دهنده زندگی فرد باشد، زندگی را به بی‌راهه برده، آن را ناکارآمد می‌سازد.
۲. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که بر اساس منابع دینی حضرت خدیجه، ایمان به خدا، اعتقاد معاد، مهم ترین باورهای دینی اند که خانواده را کارآمد می‌کند.
۳. در فرهنگ قرآنی حضرت خدیجه و کسانی که ایمان به خدا در شمار رستگاران و خوشبختان قرار دارند و از خسران و بدبختی به دورند و از ویژگی‌های خانواده‌های به شمار می‌آیند و خانواده‌ای که حبّ و بغض و تولی و تبری الهی یکی از آثار ایمان به خدا، داشته باشد سعی می‌کند به گونه‌ای عمل کند که هم در ظاهر وهم در باطن در راستای رضایت خداوند حرکت کند نه عدم رضایت پروردگار خود. از نظر حجاب، دینداری، صدق و کذب، امانتداری و... در راستای الهی واقدا به خداوند و معصومین بزرگوار به آن‌ها تاسی می‌کنند و عمل به حبّ و بغض و تولی می‌کنند. با توکل بر خدا، دیگر آثار ایمان به خدا، کارها و امور زندگی را به دست او می‌سپارد و نقطه امید در زندگی و در برابر طوفان مشکلات می‌یابد که همان توکل است که زندگی را رو به جلو و رو به پیشرفت در خانواده می‌برد.
۴. پس از مسئله توحید، مسئله معاد را از نظر اهمیت، می‌توان مهم ترین مسئله دینی و اسلامی برشمرد. در فرهنگ قرآنی و حضرت خدیجه معاد باوری که از شاخصه‌های خانواده مثبت به شمار می‌آید چون موجب تغییر نوع نگاه انسان به زندگی و هدف از آن، معنادار و هدفمند ساختن زندگی، امنیت و آرامش روانی می‌شود. آن‌گاه که اعضای خانواده به جهان پس از مرگ معتقد باشند و در مقابل یکدیگر احساس مسئولیت کنند، به ادای وظایف و مسئولیت‌های خود پایبندند و از رفتارهای ناسالم اجتناب می‌ورزند.

## منابع

❖ قرآن مجید.

الف) فارسی

۱. اسماعیل‌زاده و دیگران، علی‌اصغر، (۱۳۹۰)، خانواده سالم و آموزش‌های فرآموز، تهران: جامعه و فرهنگ.

۲. آریان پور، منوچهر و دیگران، (۱۳۸۵)، فرهنگ انگلیسی به فارسی، تهران: جهان رایانه.
۳. بستانی، فواد افرام، (۱۳۷۵)، فرهنگ ابجدی، مترجم: رضا مهیار، تهران: اسلامی.
۴. پارسا، محمد، (۱۳۸۳)، زمینه روان‌شناسی نوین، تهران: بعثت.
۵. تعدادی از نویسندگان، (۱۳۸۸)، «معادباوری، مفهوم، ضرورت، تاریخچه»، مجله ارمغان، شماره ۶.
۶. حسن زاده، صالح، (۱۳۹۲)، «عوامل تحکیم خانواده در فرهنگ اسلامی»، مجله پژوهش‌نامه معارف قرآنی، شماره ۱۵، زمستان.
۷. حیدری، نجمه و دیگران، (۱۳۹۲)، «توکل؛ لوازم و موانع آن در روایات»، مجله معرفت، شماره ۱۹۱.
۸. دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۷)، فرهنگ دهخدا، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۹. روشبلاو، آن ماری و بورفیون، ادیل، (۱۳۷۱)، روان‌شناسی اجتماعی، ترجمه سیدمحمد دادگران، تهران: مروارید.
۱۰. رئوف، هبه، (۱۳۷۷)، مشارکت سیاسی زن: دیدگاهی اسلامی، ترجمه: محسن آرمین، تهران: نشرقطره.
۱۱. سالاری فر، محمدرضا، (۱۳۸۴ش)، درآمدی بر نظام خانواده در اسلام، تهران: سمت.
۱۲. \_\_\_\_\_، (۱۳۸۵)، خانواده در نگرش اسلام و روان‌شناسی، قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه و سمت.
۱۳. سبحانی تبریزی، جعفر، (۱۳۸۷)، سیمای انسان کامل در قرآن: تفسیر سوره فرقان، قم: بوستان کتاب.
۱۴. شاملو، سعید، (۱۳۹۴)، بهداشت روانی، تهران: رشد.
۱۵. صفورائی، محمدمهدی، (۱۳۹۰)، «نقش اعتقادات، بینش‌ها و باورهای دینی»، قم: مجله معرفت، شماره ۱۶۳.
۱۶. کدخدایی، حمیده، (۱۳۹۵)، عوامل استحکام خانواده در قرآن و روایات، سپاهان شهر: حوزه علمیه حکیمه.
۱۷. محمدی ری شهری، محمد، (۱۳۹۰)، دانشنامه قرآن و حدیث، قم: مؤسسه فرهنگی دارالحدیث.

۱۸. \_\_\_\_\_، (۱۳۶۲)، میزان الحکمه، قم: مکتبه الاعلام الاسلامیه.
۱۹. مطیع، ناهید، (۱۳۸۴)، جامعه شناسی (مفاهیم کلیدی)، بی جا: آوای نور.
۲۰. مکارم شیرازی و دیگران، ناصر، (۱۳۷۰ش)، تفسیر نمونه، قم: دارالکتب الاسلامیه.
۲۱. \_\_\_\_\_، (۱۳۷۸ش)، اخلاق در قرآن، قم: مدرسه الامام علی بن ابیطالب.
- ب) عربی**
۲۲. ابن ابی الحدید، عزالدین، (بی تا)، شرح نهج البلاغه، تصحیح: محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت: داراحیاء الکتب العربیه.
۲۳. ابن اثیر، عزالدین علی، (۱۳۷۱ش)، تاریخ کامل بزرگ اسلام و ایران، ترجمه ابوالقاسم حالت و عباس خلیلی، تهران: مؤسسه مطبوعاتی علمی.
۲۴. ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۳۸۲ش)، الخصال، ترجمه یعقوب جعفری، قم: نسیم کوثر.
۲۵. ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۹۸۸م)، لسان العرب، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
۲۶. ابن هشام، عبدالملک بن هشام، (بی تا)، السیره النبویه، بی جا، بی نا.
۲۷. الأمدی، عبدالواحد، (۱۴۲۹ق)، غرر الحکم و درر الکلم، تحقیق السیدمهدی الرجائی، قم: مؤسسه دارالکتاب الاسلامی.
۲۸. راغب اصفهانی، ابوالقاسم الحسین بن محمد، (۱۴۰۴ق)، المفردات فی غریب القرآن، مصر: دفتر نشر کتاب.
۲۹. سیدرضی، ابوالحسن محمد بن الحسین بن موسی، (۱۳۷۷ش)، نهج البلاغه، ترجمه سیدجعفر شهیدی، تهران: علمی و فرهنگی.
۳۰. صالحی شامی، محمد بن یوسف، (بی تا)، سبل الهدی و الرشاد، فی سیره، خیرالعباد، بی جا: بی نا.
۳۱. طباطبایی، محمدحسین، (بی تا)، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
۳۲. طبرسی، ابوعلی الفضل بن الحسن، (۱۳۷۷ش)، تفسیر جوامع الجامع، قم: شریف رضی.
۳۳. \_\_\_\_\_، (۱۳۸۰ش)، تفسیر مجمع البیان، تهران: انتشارات فراهانی.



۳۴. طبری، محمد بن جریر، (۱۴۱۲ق)، جامع البیان فی تفسیر القرآن، چاپ اول، بیروت: دار المعرفه.
۳۵. طریحی، فخرالدین، (۱۳۸۱ق)، مجمع البحرین، بیروت: مکتبه المرتضویه.
۳۶. قمی، عباس، (بی تا)، منتهی الآمال، قم: هجرت.
۳۷. کلینی، محمد، ۱۳۶۵، کافی، تهران: دارالکتب الإسلامیه.
۳۸. متقی، علی بن حسام الدین، (۱۴۰۹)، کنز العمال فی سنن الأقوال و الأفعال، بیروت: مؤسسه الرساله.
۳۹. مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۳هـ ق)، بحار الانوار لدرر اخبار الائمه الاطهار، بیروت: دار احیاء التراث العربی.